

## اثر مکاتب فکری بر رفتار اقتصادی ژاپن‌ها محمود متوسلی\*

رشد اقتصادی چشمگیر ژاپن نظر بسیاری از محققین و دانش پژوهان در علوم مختلف را به خود جلب کرده است. ژاپن در ابتدای دوران میجی (۱۸۶۸) نسبت به کشورهای غربی کشوری عقب افتاده به شمار می‌رفت، ولی حدود ۷۰ سال بعد (یعنی قبل از جنگ جهانی دوم) به امپراطوری عظیمی تبدیل شد و بیشتر قسمت های آسیای شرقی، و جزایر غربی اقیانوسیه را متصرف شده اما در جنگ جهانی دوم شکست خورده و زیان های مادی و انسانی فراوانی را متحمل شد و در این جریان استقلال سیاسی خود را نیز از دست داد. چند سال بعد از جنگ با تجدید سازمان نیروها و دست زدن به برخی اصلاحات اقتصادی - اجتماعی و همچنین استفاده به موقع از مناقشه شرق و غرب زمینه مناسبی را برای گسترش تولید و توسعه سریع و همه جانبه اقتصادی فراهم کرد به طوری که هم اکنون به عنوان کشوری ثروتمند و ابر قدرتی اقتصادی در عرصه رقابت های بین المللی مطرح است. بررسی علل توسعه اقتصادی ژاپن و کنگا و در مورد فاکتورهای کلیدی که بیشترین سهم را در توسعه اقتصادی آن کشور داشته از دو جنبه قابل توجه است. اول اینکه استفاده از تجارب ژاپن در زمینه توسعه صنعتی و پیشرفت علوم و تکنولوژی با تکیه بر نیروی انسانی و علی رغم کمبود منابع طبیعی برای کلیه کشورهای عقب مانده می تواند مفید باشد. در ثانی نقش فعال و روبه تزاید ژاپن در توازن قدرت بین المللی برای هردو گروه کشورهای عقب مانده و پیشرفته بسیار با اهمیت بوده و هر یک در برنامه ریزیهای آینده و مبادلات صنعتی و تجاری خود با ژاپن، ملاحظاتی را باید منظور دارند\*\*.

آنچه که امروزه به عنوان مزیت نسبی برای ژاپن‌ها در صحنه رقابت های تکنولوژیک محسوب می شود در یک کلام اصول و ارزشهایی است که ریشه در فرهنگ آنها داشته و منتج

---

\* دکتر محمود متوسلی - استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

\*\* این مقاله فقط به چگونگی شکل گیری مبانی اخلاقی و معنوی موثر در رفتار

اقتصاد ژاپنی ها می پردازد و به ابعاد بسیار وسیع تر تجربه ژاپن در زمینه مدیریت، توسعه خود اتکای اقتصادی، آموزش آکادمیک و حرفه ای و سیاست پولی و مالی در فرصت های دیگر پرداخته خواهد شد.

از تعالیمی است که در طی قرن ها توسط مکاتب فکری مهمی چون شینتویسم ، بودیسم ، کنفوسیونیسیم انجام گرفته است . این اصول و ارزش ها که به عنوان خصوصیات ویژه ژاپنی ها (۱) نامیده می شوند ، تمام ابعاد زندگی این جامعه را فرا گرفته و به خصوص در مدیریت ، روابط کارگری ، رفتار اقتصادی و اجتماعی آنها کاملا " مشهود و مورد توجه می باشد . این خصوصیات ویژه اساس نظام ارزشی ژاپن را تشکیل داده و از عوامل تعیین کننده در پایه گذاری پیشرفت های چشمگیر آن کشور محسوب می شوند . بعضی از این خصوصیات را می توان چنین برشمرد .

— دارا بودن کارآترین سیستم مدیریت (همکاری در مدیریت مشاغل و اتفاق نظر و هماهنگی (۲) در تصمیم گیری) .

— همزیستی بین " ارزشهای اخلاقی و معنوی سنتی " و " توسعه چشمگیر اقتصادی " علی رغم آنچه که به نام تضاد شناخته شده بین توسعه اقتصادی و سنن و میراث فرهنگی کشورها عنوان می شود .

— ایفای نقش کامل دولت در تشویق ، راهنمایی و کنترل سیستم اقتصادی که بیشتر توسط بخش خصوصی به ویژه شرکتهای بزرگ اداره می شود .

— حفظ و نگهداری الگوی مصرف سنتی همراه با میل به پس انداز بالا .

— دارا بودن شبکه اطلاعاتی قوی و پیشرفته در سطح ملی و بین المللی .

— وجود هماهنگی و وحدت ملی در سراسر جامعه .

— داشتن جامعه ای متشکل و گروه گرا که اهداف ملی بالا ترین ارزش گروهی و جمعی

آنها را تشکیل می دهد .

— جامعه ای مرکب از مردمی نسبتاً " متجانس از لحاظ زبان ، ایدئولوژی ، نژاد و

درآمد .

— وجود روابط صنعتی موزون با سیستم اشتغال مادام العمر و سطح پائین اعتصابات .

— وجدان کار به عنوان یک ارزش عالی پذیرفته شده توسط عموم مردم و برخورداری

از تحصیلات عالی و دانش فنی و تخصصی .

همچنین در این بخش توجه خاصی به معرفی دوره توکوگاوا (۳) (۱۸۶۸ - ۱۶۰۳)

1- Japanese Unique Character

2- Consensus and Concord

3- Tokugawa Period

و اوایل دوره میجی (۱) می‌شود، زیرا تقریباً " ۲۲۰ سال از دوره توکوگاوا درهای ژاپن به روی جهان خارج بسته شد وایدئولوژی کنفوسیوس (۲) سلطه کاملی برتعالیم مذهبی، علمی و فرهنگی یافت و در نتیجه معیار و ارزش های شناخته شده جامعه، شامل خصوصیات ویژه مذکور به طور وسیعی در این دوره و ابتدای دوره میجی در بین جامعه رسوخ کرد. به علاوه شکل گیری این ارزش ها به دلیل عدم تاثیر پذیری آنها از فرهنگهای خارجی، اهمیتی خاص برای جامعه ژاپن و محققین خارجی دارد به طوری که در اواخر دوره توکوگاوا و اوایل دوره میجی شرایط مقدماتی برای توسعه اقتصادی به وجود آمد و موانع اصلی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برطرف شدند، موسسات و نهادهای لازم و مقتضی توسعه، تاسیس شدند و از همه مهمتر سیستم آموزشی با یک پوشش ملی پایه گذاری شد.

به این منظور ضروری است بعضی از اصول مذاهب و مکاتب فکری از جمله تعالیم اساسی مکاتب شینتو (۳)، بودا (۴) و کنفوسیوس که بیشترین اثر و نفوذ را در زندگی روزمره و ارزش های علمی جامعه ژاپن داشته اند تشریح و تغییرات اساسی و تعدیلات و اصلاحات در تعلیمات بنیانی این مکاتب بیان گردند و استفاده از مذهب برای مقاصد سیاسی و اثرات این تعالیم بر رفتارهای اقتصادی جامعه مورد بحث قرار گیرند.

### آئین شینتو: ظهور و ترویج آن

در هر کشوری با سابقه تاریخی طولانی، مذهب، ارزش ها و معیارهای اصلی حاکم بر آن جامعه را شکل می‌بخشد و ژاپن نیز در این مورد مستثنی نیست. دین و مذهب سنتی ژاپن - شینتو - یک آئین اعتقادی - عملی است که در زندگی اجتماعی مردم ژاپن انعکاس یافته و با خصوصیات ملی، طرز تفکر و شیوه زندگی ژاپنی ها ارتباط تنگاتنگ برقرار نموده است. معنای تحت اللفظی واژه "شینتو" عبارت است از راه و رسم "کامی" (۵) که کامی اشاره دارد به "برتر و مافوق بودن"، سری و مرموز بودن و یا همان الهه و خدای بر طبق آئین شینتو در عالم وجود خدایان متعددی وجود دارند. کامی شامل الهه های زمینی و جهان ماوراء است که نه تنها انسانها را می‌تواند شامل شود، بلکه پرندگان، درختان، کوهها و

1- Meiji Period

2- Confucian

3- Shintoism

4- Buddhism

5- The Way of Kami

هرچیز دیگری که شایستگی آنرا پیدا نماید که مورد خضوع قرار گیرد و نمایانگر قدرت خارق‌العاده باشد، نیز شامل می‌شود.

در مورد اساس پدید آمدن ژاپن والوهیت (۱) سرزمین آن، شینتو اظهار می‌دارد که، به‌طور ناگهانی از الهه‌بهشت برین (۲) دو الهه مهم، یعنی الهه آسمان "ایزاناگی (۳)" و الهه زمینی "ایزنامی (۴)" خلق شدند و این دو الهه سرزمین ژاپن را پدید آوردند. سپس خدای آسمان، رب‌النوع خورشید و خدای ماه و طوفان را خلق کرد. و این افسانه تا آنجا ادامه می‌یابد که امپراطور را با ذکر این سخن که "نوه پسر رب‌النوع خورشید - نی‌نی‌جی - نو - میکوتو - به سرزمین ژاپن فرستاده شد تا برای جزایر بطور دائمی فرمانروایی نماید" با مقدس‌ترین الهه مرتبط می‌سازد. نوه پسر ارشد نی‌نی‌جی - نو - میکوتو (۵)، جین‌مو (۶) نام داشت که بیش از ۲۵۰۰ سال قبل به‌عنوان اولین امپراطور ژاپن نامیده‌شد و این سلسله پادشاهی تا به امروز یعنی تا امپراطور آکی‌هیتو پسر هیروهیتو (۷) ادامه یافته است. (۸)

در مرام شینتو به مفهوم تقدس سرزمین و امپراطور بسیار بها داده می‌شود و این در طول تاریخ ژاپن به‌طور مکرر به‌عنوان عاملی جهت تشکیل و اتحاد در برابر آشوبهای داخلی و تجاوزات خارجی بکار گرفته شده است.

در قرن سیزدهم هنگامی که این تهدید وجود داشت که شینتو به وسیله بودیسم که مفاهیم فلسفی بس وسیعتری دارد محو و نابود گردد، بازسازی شد. سپس در قرون بعدی، وقتی که علمای این مکتب سعی در تفسیر آن برپایه آئین کنفوسیوس جدید (۹) نمودند، شینتو حیات دوباره یافت و به‌صورت یک مکتب فکری، با مبانی فلسفی وسیعتری بخصوص

- |             |                     |            |
|-------------|---------------------|------------|
| 1- Divinity | 2- High haven       | 3- Izanagi |
| 4- Izanami  | 5- Ninigi-no-mikoto |            |
| 6- Jinmu    | 7- Hirohito         |            |

(۸) امپراطور هیروهیتو در سال ۱۹۰۱ متولد شد و در دسامبر ۱۹۲۶ به سلطنت رسید و لقب شووا (Showa) به معنای روشنگری و هماهنگی را برای دوران سلطنت خود برگزید. در تاریخ ۱۸ دیماه ۱۳۶۷ اطلاع حاصل شد که امپراطور در سن ۸۷ سالگی درگذشت و در نتیجه دوران شووا به پایان رسید، دوران جدید با نام "دست‌یابی به صلح" با سلطنت امپراطور جدید آکی‌هیتو آغاز شد.

در زمینه سیاست ظهور کرد. در پایان دوره توکوگاوا مفاهیم شینتو به عنوان وسیله‌ای برای براندازی حکومت ملوک‌الطوایفی توکوگاوا و بعدها به عنوان عاملی برای بسیج توده‌ها به منظور تجاوزات و توسعه طلبی‌ها بکار برده شد.

مفاهیم اساسی شینتو ارتباط آن با الوهیت امپراطور به روشن‌ترین وجه عینیت و هویت یکسان دین و سیاست را آشکار می‌سازد که نیاز به شرح و بسط مفصل‌تری دارد و در محدوده این تحقیق نمی‌گنجد.

شینتو با ایدئولوژی‌های مختلف چینی نظیر بودیسم، کنفوسیوس‌یسم و در حد کمتری با آیین "تاو" (۱) و آیین‌های دیگر مواجه و با گسترش وسیع بودیسم و ابعاد فلسفی آن تقریباً در آن مستحیل شده بود. بودیسم ادعا داشت که خدای شینتو می‌تواند با الهه‌های بودیسم یکسان فرض شود و مکتب شینتو در حقیقت به عنوان بخشی از دکنترین بودیسم درآید. در اواخر قرن سیزدهم مجسمه بودا در معابد شینتو نصب شد و حتی در بعضی موارد کاهنان بودائی تصدی مدیریت معابد شینتو را به عهده گرفتند. اگر این طرز تفکر ادامه می‌یافت و در جامعه رسوخ پیدا می‌کرد و پذیرفته می‌شد، اساس و شالوده الوهیت سرزمین و امپراطور و در نتیجه وحدت ملی ژاپن از بنیان ویران می‌شد. لذا، واکنش علیه بودیسم آغاز شد، اولین عکس‌العمل در قرن سیزدهم با پیدایش "واتاری" یا "ایزشینتو" (۲) بود که به عنوان یک مکتب‌تئوریک ضد بودیسم با هدف اصلاح و خالص کردن شینتو پایه‌گذاری شد. سپس کوشش‌ها و مساعی در مسیر تجدید حیات و اصلاح شینتو ادامه یافت، تا اینکه دو نهضت جدید شینتو یکی بنام "یوئیتسوشینتو" (۳) و یا "شینتوی یک سو" که توسط یوشیدا کاننومو (۴) (۱۵۱۱، ۱۴۳۵) در کیوتو پایه‌گذاری شد و دیگری "فوکوشینتو" (۵) یا برگشت "به شینتوی جهان شمول" که توسط سه‌کاهن در قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ بنیان گذاشته شد، توسعه یافت. یوئیتسوشینتو اهمیت زیادی به خدای شینتو بخشید و ادعا کرد که الهه‌های بودیسم منتسب به خدای شینتو هستند و نه برعکس. همچنین به برتری الوهیت کشور ژاپن و سلسله پادشاهی موروشی و بلا انقطاع آن تاکید داشت.

دومین نهضت یعنی فوکوشینتو در مقدس‌شمردن سرزمین، امپراطور و مردم ژاپن

1- Taoism

2- "Watari" or "Ise Shinto"

3- "Yuitsu Shinto" Or "One way shinto"

4- Yoshida Kanetomo

5- "Fukko shinto" or "return to antiquity shinto"

پافراثر گذاشته و مدعی تفوق و برتری نژادی ژاپنی‌ها بر دیگر ملل جهان شد و صریحا " از مردم ژاپن خواست تا رسالت حکمروائی بر تمام دنیا را بردوش بگیرند و اجازه دهند تا تمام جهان از برکات حاکمیت امپراطور ژاپن متنعم گردند" این موج جدید "نشوونما" به هروسيله درمیان تمام ملت بخصوص در مدارس، نیروهای نظامی و اجتماعات دیگر ترویج و انتشار یافت. این باور وجود دارد که گسترش این تعالیم بر تجدید و اعاده قلمرو پادشاهی در طی سال های ۱۸۶۸ - ۱۸۶۷ و نیز وحدت و همبستگی ملی تاثیر بسیار داشته است به علاوه عاملی تعیین کننده در توسعه طلبی های نظامی قبل از جنگ بشمار می رود.

در دوره میجی شینتو به ابزار سیاسی در دست سیاستمداران تبدیل شد. در ابتدا سعی شد تا شینتو به عنوان تنها مذهب دولتی و انحصاری معرفی گردد. و بودیسم در سراسر کشور تحریم شود. این اقدام به جای دستیابی به هماهنگی و وحدت ملی که مورد نظر بود، آشوب و شورشهای اجتماعی عظیمی را در سطح کشور موجب شد. بنابراین در سال ۱۸۷۲ یک مذهب ائتلافی دولتی مرکب از آئین شینتو و بودا معرفی شد، اما فقط سه سال بعد بواسطه نفوذ زیاد کاهنان "شینتوی جدید" در دولت، همان نظریه سابق با چهره‌ای جدید طرح گردید.

در طرح جدید، این بار شینتو به دو گروه شینتوی دولتی (۱) و شینتوی فرقه‌ای (۲) تقسیم شد. شینتوی دولتی تحت نظارت نهادهای دولتی قرار گرفت و بعدا " توسط دوایر "شراین (۳)" یا معابد شینتو کنترل می‌شد، در حالیکه شینتوی فرقه‌ای به‌مراه بودیسم و مسیحیت و دیگر مذاهب در حمایت توده مردم قرار گرفت. در سال ۱۹۰۵ شینتوی فرقه‌ای و دیگر مذاهب زیر نظر " دایره مذاهب (۴)" قرار گرفته و بالاخره با محدودتر شدن حوزه عمل تعالیم معنوی در سال ۱۹۱۳ کلیه این تعالیم در کنترل و نظارت مستقیم وزارت آموزش درآمد.

دولت به منظور تجمع تمام جامعه زیر یک چتر و با شعار واحد، اهمیت ویژه‌ای برای تعالیم اخلاقی و دستورات داده شده توسط رهبران مذهبی شینتو در شراین ها، مدارس، نیروهای نظامی و دیگر اجتماعات قائل شد. دولت در طی تبلیغاتی وسیع اعلان نمود که شینتوی دولتی یک مذهب نیست بلکه یک نهاد ملی با هویت تاریخی و معنوی است، لذا

1- State Shinto

2- Sect Shinto

3- Bureau of shrines

4- Bureau of religions

هرکس بدون توجه به ایدئولوژی و مرامش باید به عنوان یک وظیفه میهنی و نشانه‌ای از وفاداری و صداقتش در معابد شینتو (شراین) حضور یابد.

بدین ترتیب آیین شینتو با تکیه بر دو اصل الوهیت سرزمین و امپراطور، اصول اعتقادی ویژه‌ای را پایه‌گذاری کرد که در مقاطع زمانی مختلف و علی‌رغم وقایع مختلف یکپارچگی و وحدت ملی را سبب شد. محور قرار گرفتن امپراطور به عنوان سمبل وحدت و عشق ورزیدن و پرستش سرزمین، اثرات ناگوار بسیاری از بحرانهای سیاسی، داخلی و خارجی را که ممکن بود جامعه را به یکجمود و رکود فکری و فرهنگی سوق دهد خنثی نمود و در نهایت همین ثبات نسبی سیاسی، زمینه‌های لازم برای شکوفایی فعالیت‌های اقتصادی فراهم آورد.

### آیین بودا (۱)

بودیسم یکی از بزرگترین مذاهب جهان است که در بیشتر قسمت‌های شرق و جنوب شرقی آسیا رواج دارد. این آیین به فرقه‌های متعددی تقسیم شده و در مناطق مختلف به صورت متفاوتی به آن عمل می‌شود. بودیسم به عنوان یک فلسفه و شیوه عملی زندگی، مورد ایمان و اعتقاد پیروان آن است.

بودیسم همراه با دیگر وجوه فرهنگی و اعتقادی چین از طریق کره به ژاپن وارد شد، مهمترین تاثیرات چینی‌ها بر جامعه ژاپن عبارتند از:

۱- معمول ساختن نوشتار چینی، که نه تنها ادبیات ژاپن را غنی ساخت بلکه به ملت ژاپن کمک کرد تا تمام ابعاد تمدن خود را توسعه بخشند.

۲- نشر و گسترش آئین بودا و کنفوسیوس و اثرات اقتصادی - اجتماعی - سیاسی این تعالیم بر جامعه ژاپن.

آئین بودا اول بار در سال ۵۳۸ میلادی وارد ژاپن شد و پیروان فراوانی در بین اقشار مختلف مملکت پیدا کرد. بویژه در قرن هفتم با برخورداری از حمایت خانواده

(۱) آیین بودا توسط بودا بنانهاده شد (نام اصلی او سید ارتاگاتاما Siddhartha Gautama بودا بود) که در سال ۴۸۳ قبل از میلاد در کاپیلاواستو (Kapilavastu) ویناپال امروزی متولد شده، آیین او "بودیسم" به یک مذهب بزرگ و نظام فلسفی تبدیل شد که فرهنگ عظیمی را بوجود آورد.

سلطنتی اهمیتی خاص در بین ژاپنی ها یافت . ابتدا مجسمه زیبایی از بودا به امپراطور هدیه شد که به غایت مورد تقدیر و ستایش قرار گرفت و خانواده سلطنتی خود مروج این آئین گردید . تاثیر آئین بودا بر خانواده سلطنتی به حدی بود که شاهزاده "شوتوکو تایشی (۱)" بنیادگذار واقعی بودیسم ژاپن شناخته شده است . شاهزاده بدلیل عملی بودن و تطابق و همسوئی فرقه "ماهایانا (۲)" با مبانی اخلاقی سنتی ژاپن بیشتر تحت تاثیر این فرقه قرار گرفت . چارلز مور (۳) در این رابطه می گوید .

"شاهزاده شوتوکو در بودیسم، اصولی جهان شمول را برای همه مردم اعم از حاکمان و توده مردم مشاهده کرد . و این اصول وی را در دستیابی و رسیدن به یک اتحاد ملی و اعمال رهبری تحت لوای روح قبیله دوستی کمک نمود ."

بودیسم ماهایانا می آموزد که هرکس می تواند با تمرین و خودسازی و انضباط فردی بتدریج به مرتبه بودا نایل آید . بودیسم ژاپنی بر اهمیت نهادهای بشری ، اصول اخلاقی علمی ، وجدان کار خیرورفاه انسانها و مبانی اخلاقی خانواده تاکید دارد . از ابتدای معرفی آئین بودا در ژاپن کاهنان بودایی با قبول مشاغل مختلف در رده های متفاوت و تحمل کارهای سنگین و کمک مادی و معنوی به مردم در اقصی نقاط کشور به تبلیغ مذهب بودا پرداختند . این خصوصیت بودیسم در ژاپن با آنچه که در هند و اتحادودی در چین به عدم تحرک و گوشه نشینی شهرت داشت ، کاملاً متفاوت بود .

دکترین ویانا موزه وحدت فکری (۴) از اهداف غائی و ایده آلیسم آئین بودا است ، هر فرد باید تمام سعی و کوشش خود را در راه تزکیه نفس بنماید تا به حقیقت مطلق و وحدت فکری که همان مطلق وجود یا "بودا" است ، و همه چیز را در وجود خود دارد ، دست یابد . زمانی که یک فرد تزکیه شد و خلوص نیت پیدا کرد ، اختلاف بین ذهنیت و عینیت (۵) (خالق و مخلوق) از بین می رود ، به عبارت دیگر وجود فردی با غایت وجود یکسان می شود . اگر نفس تزکیه شود هیچ جایی برای عدم خلوص و ناپاکی باقی نخواهد ماند . عدم خلوص و ناپاکی در بعضی افراد معلول جهل و نادانی است . هرکس باید برای فهم و درک محیط اطرافش به وجود و هستی خویش بصیرت یابد .

1- The prince "Shotoku Taishi"

۲- ماهایانا (Mahayana) یکی از فرقه های بزرگ بودایی است .

3- Charles.A.Moore, 1974, P.6

4- One mind

5- Object and subject



عالم هستی و جهان موجودات به ۱۵ قلمرو تقسیم و طبقه‌بندی شده است، از ناپاکی مطلق تا تزکیه و خلوص مطلق (۱) (بودا). از دیدگاه بودیسم تمام موجودات از جمله انسان بطور بالقوه قادر است بودا شود و بدین وسیله نجات یابد. این انعطاف‌پذیری در عقیده وایدبولوژی به‌ژاپنی‌ها کمک کرده است تا در برابر مذاهب مختلف شکیبایی و تحمل نشان دهند.

یک ویژگی بودیسم در ژاپن پذیرش و استقبال از آئین بومی ژاپنیها - شینتو و همزیستی با آن در طول تاریخ بوده است، اگرچه اختلافات و تضادهایی نیز در بین آنها رخ داده است. بنابراین برای ژاپنی‌ها غیرعادی نیست که تشریفات تولد و ازدواج خود را در معابد شینتو (شراین) برگزار کنند در حالی که مراسم تدفین و عزاداری خود را در معابد بودایی به جای آورند.

زن بودیسم (۲) یکی دیگر از فرقه‌های مهم بوداییست که در چین ظهور یافت و در ابتدای دوره کاماکورا (۳) (۱۱۸۵-۱۳۳۳) وارد ژاپن شد. آئین زن، بیشتر مورد توجه و علاقه طبقه نظامیان قرار گرفت و اثرات و نتایج قابل توجهی بر شیوه زندگی روزمره و طرز تفکر آنها گذاشت، این آئین نیز به عنوان یک مکتب فکری، بودا محسوب می‌شود. برطبق این مکتب با کوشش فردی، خودسازی و بروز قدرتهای نهانی فردی می‌توان به حقیقت مطلق دست یافت. این مکتب همچنین اعتقاد دارد که خود خواهی و اندیشه به خواسته‌های فردی و یا گرایشات فردی محدودیتی برای گسترش فکری و رسیدن به حقیقت مطلق پدید می‌آورد. در نتیجه به فکر دیگران بودن و رفاه تمام جهانیان را در نظر داشتن، درک حقیقت مطلق و روشنی ضمیر را ممکن می‌سازد.

بودیسم در چارچوب اصول اصلی مذهب بومی ژاپنی‌ها "شینتو" به تحکیم اصولی می‌پردازد که ویژگی‌های رفتاری ژاپنی‌ها را در تمام ابعاد و بخصوص فعالیت های اقتصادی آنها را شکل داده است. متأثر می‌سازد. رهبران بودیسم خود با پرداختن به فعالیت های اقتصادی و قبول مشاغل سخت در جامعه، آئین بودا را در ژاپن رواج دادند. آنها اصول اخلاقی، وجدان کار و نظم و انضباط در امور را سرلوحه آموزش های خویش قرار دادند. بزرگترین سهم وارفمان آنها که امروزه در رفتارهای اقتصادی و مدیریت ژاپنی ها مورد توجه خاص می‌باشد

1- Absolute impurity to absolute purity

(یا به تعبیری از اسفل السافلین تا اعلی علیین) (۱)

2- Zen Buddhism

3- Kamakura period

سنت جمع‌گرایی در مقابل گرایشات فردی است. فرد گرایی و گرایشات فردی را مذموم و ناپسند جلوه داده و کار و کوشش برای جمع را به عنوان ارزش‌والای اجتماعی تعلیم دادند. زن بودیسم، یک فرقه از بودیسم، به انسان و خلاقیت فکری او آنقدر بها می‌دهد که در غایت خودسازی و تزکیه نفس او را بودا و یا خدای شماره‌دار. بدین ترتیب بودیسم در تکمیل شینتویسم، ویژگی و خصوصیت‌هایی را در جهت وحدت فکری و فرهنگی و دینامیک نمودن جامعه شکل داده و تشبیهت می‌نماید.

### آئین کنفوسیوس (۱)

مذاهب وارداتی ژاپن اغلب به وسیله فرهنگ و اعتقادات سنتی ژاپن تعدیل و اصلاح شده‌اند. این تعدیل و دخل و تصرف بر محور تقدس سرزمین و امپراطور که ارزش و معیار اصلی سیاسی-فرهنگی ژاپن است، دور می‌زند. در هر حال، توجه به حاکمیت اصالت عقل در ابعاد مذهبی و فلسفی آن تا دوره توکوگاوا و بخصوص در اوایل دوره میجی بطور کامل تحقق خارجی نیافته بود. حاکمیت اصالت عقل یک ضرورت بنیادی برای توسعه اقتصادی در دوره‌های بعدی به شماره می‌رفت، زیرا خلاقیت و سازندگی ممکن نبود مگر اینکه طرز تفکر تمام جامعه از بند خرافات و جمود فکری آزاد می‌شد.

در بین مذاهب مختلف وارداتی ژاپن، آئین کنفوسیوس و شکل اصلاح شده آن "کنفوسیوس جدید" بیشترین تاثیر را در اصالت دادن به عقل در زمینه‌های فلسفه، اخلاق و روانشناسی داشته‌اند. مضافاً اینکه سهم آن در شکل‌گیری نظام آموزشی ژاپن نمی‌تواند نادیده انگاشته شود. برعکس تائوتیسم - یکی دیگر از مذاهب وارداتی ژاپن - به دلیل عقیده داشتن به خرافات و سحر و جادو تاثیر متضادی را بر اصالت بخشیدن به عقل داشته است.

آئین کنفوسیوس، در قرن پنجم از طریق کره به ژاپن وارد شد و تقریباً دو قرن طول کشید تا پیروان زیادی در سرتاسر مناطق ژاپن پیدا کرد. آئین کنفوسیوس همانند بودیسم،

۱- آئین کنفوسیوس (Confucianism) بوسیله چانگ ایزو (Chang-Isu) و یا کنفوسیوس در قرن پنجم تا ششم قبل از میلاد در چین پایه‌گذاری شد. کنفوسیوس به عنوان مشهورترین معلم، فیلسوف و تنویرسین سیاسی چین محسوب می‌شود که نظریات و افکار او تاثیر زیادی بر تمدن تمام کشورهای آسیای شرقی داشته است.

ساختار سیاسی و موروثی را که بر محور تقدس نهادی سرزمین و امپراطور دور می‌زند، استحکام بخشیده و سازگاری و توافق خاص را با آن داشته است. آئین کفوسیوس به عنوان "راه زندگی" تعبیر و تفسیر شده است. ایده آلیسم این مکتب را وجودی متعالی و برتر (۱) تشکیل می‌دهد. بر طبق این مکتب فکری، تمام پدیده های طبیعی از آمیزش و اختلاط دو عنصر مذکر بنام "یانگ (۲)" و مونث بنام "یین (۳)" فریده شده‌اند که اولی عنصری روشن ضمیر و مترقی است و دومی عنصری تاریک و ارتجاعی است. (۴) فقط ارواح و مردگان از این تعبیر مستثنی هستند. و از آنجائی که ارواح جاودانی هستند، باید محترم شمرده شوند و هدایائی چون غذا و نوشیدنی به آنها اعطا شود. بدین ترتیب پرستش اجداد به عنوان اصلی اساسی تلقی شده و خانواده واحد و هسته اصلی پیکره اجتماع محسوب می‌شود. در نتیجه، اصل اطاعت کامل و حتی کورکورانه فرزندان از والدین در زمان حیات و پس از مرگ (پیروی و متابعت از آرزوهای والدین) یک وظیفه مذهبی به شمار می‌رود. از این رو است که گاهی اوقات، آئین کفوسیوس را مذهب "پرستش اجداد (۵)" هم می‌گویند.

در تعالیم کفوسیوس به اهمیت بشر در میان دیگر مخلوقات جهان تاکید می‌شود. انسان موجودی ناچیز است که از رحمت و نعمات بی‌شمار خداوند متنعم می‌گردد، در نتیجه بزرگترین تعهد و مسئولیت را باید بردوش کشد. یک وظیفه و تعهد انسان سعی و کوشش در شکرگزاری و جبران نعمتهای خداوند بزرگ است، که البته انسان قادر به انجام کلیه وظایف محوله و جبران الطاف الهی نیست، اما باید سعی و کوشش پویا در جهت نیل به آن اهداف داشته باشد. خودسازی اخلاقی و معنوی یک قدم در این راه است که شکل کامل آن پیوند و وحدت با مبداء اعلی است. تحقق این مرحله، کوشش و ممارست فراوانی را طلب می‌کند تا شخصیت فردی از درون تکامل یافته و انسجام یابد. پاکی قلب یک فرد از تمام کردارهای زشت و ناپسند، نیازمند به پاکی باطنی و درونی و همچنین پاکی و نظافت ظاهری است. در هر حال، خودپسندی بزرگترین گناه و عظیم‌ترین سد در راه نیل به اهداف متعالی بشمار می‌رود. در نتیجه، ایثار و از خودگذشتگی تا حد قربانی کردن خود در راه معبود و اهداف والای آن، برقرار کردن رابطه با والاترین بخشنده، در نظر گرفتن کلیه کارهای

1- A supreme entity

2- Yang

3- Yin

۴- این تعبیر از عنصر مونث و مذکور یازن و مرد شاید بنای اساسی برای تبعیضات

جنسی در ژاپن در طول تاریخ بوده است.

5- Filial Piety

روزانه به عنوان خدمت به خداوند و رهبران سیاسی (رعایت وفاداری به امپراطور) و اطاعت و فرمانبرداری از والدین و اجرای کامل تعهدات و وظایف نسبت به خانواده "پرستش و فرمانبرداری در خانواده" در زمره اصول اساسی تعالیم کنفوسیوس است.

یکی از اصول اخلاقی آئین کنفوسیوس اصل پاکی ذاتی بشر است، انسان بطور فطری پاک و بی آلاش است. و بجای تحکم و تنبیه نیازمند به ارشاد و راهنمایی است. حاکمیت بر مردم باید از طریق تعالیم اخلاقی باشد و نه بوسیله قانون گذاری. اگر جامعه بر اساس این اصول رهبری شود، مردم بتدریج در خود یک حس شرم و حیا را پرورش و توسعه می دهند که می تواند بهترین ابزار کنترل فردی در جامعه قرار گیرد.

مفهوم و تعبیر عمومی "Filial Piety" در حوزه وسیعتر آن، در صورتی که به تمام جامعه تعمیم داده شود، بایکی دیگر از اصول کنفوسیوس یعنی وفاداری (۱) مترادف می باشد. از این دیدگاه، تمام ملت به عنوان یک خانواده بزرگ فرض می شود که امپراطور در رأس این خانواده قرار می گیرد. و توده مردم مطابق باشند، موقعیت و یا سن خود باید متعهد انجام این اصول باشند. اگرچه این اصل در بسیاری از موارد مورد سوء استفاده قرار گرفته و در بسیاری از جوامع و نهادها به اطاعت کورکورانه تعبیر و تفسیر شده است، ولی معنی حقیقی آن احترام و تکریم می باشد. تعمیم این مفهوم در معنای واقعی آن نیازمند به پرهیزکاری، سخاوت و درایت و دوراندمدیشی دولت مردان و اجرای کامل وظایف توسط تمام مردم است. خصوصیات حاکم باید مدل و الگو برای مردمش باشد آنچنانکه رفتار والدین الگو برای فرزندان است.

آئین کنفوسیوس در شکل اولیه اش، به ترتیب بر اصول ذیل اهمیت و تاکید می کند: خیرخواهی (۲) عدالت (۳)، آداب و سنن مذهبی (۴)، دانش و آگاهی (۵)، صداقت و وفاداری (۶) و ایمان (۷). این اصول با هم مرتبط هستند و هر یک ممکن است چندین اصل دیگر را شامل شود. اصل خیرخواهی فضیلتی است که باید در قلب همه انسانها جای گیرد. خانواده و پرستش و احترام به خانواده و اجداد (۸) و رعایت سلسله مراتب در

1- Loyalty

2- Benevolence (Jen)

3- Justice (i)

4- Ceremony (li)

5- Knowledge (chih)

6- Loyalty (chung)

7- Faith (hsin)

8- Filial piety

خانواده پایه و اساس عمل به این فضاهاست. سازش و هماهنگی در بین مردم و عینیت یافتن اصل تفاهم و توافق (۱) عوامل تعیین کننده در تحقق و نیل به خیر خواهی است. تفسیر و تاکید ژاپنی ها از اصول و مراتب فضایل کنفوسیوس با تفسیر چینی ها تفاوت دارد. در ژاپن تاکید بیشتر بر صداقت و وفاداری است تاخیر خواهی. وفاداری در ژاپن به امین و صادق بودن فرد با خویشانش خویش (ضمیر خود آگاه) و نهایت خلوص و ایثارش نسبت به ولی نعمتش تعبیر شده است اما درک چینی ها از وفاداری فقط محدود به وجدان هر فرد می شود. این مفهوم در افراطی ترین حالتش در کنفوسیوس ژاپن به فداکردن خویش برای اهداف جمعی (ملی) منتهی می شود. روابط طبقاتی و سلسله مراتب موجود در ژاپن که بر حسب اقتدار و موقعیت شغلی، روابط خونی و ملاحظات سنی می باشد. به ترتیب از اصول کنفوسیوسی: وفاداری، احترام و پرستش اجداد و والدین و احترام و تکریم نسبت به بزرگتر منتج شده است.

با توجه به تفاوت در تفسیر و تعبیر آئین کنفوسیوس در چین و ژاپن دو نکته مهم دیگر باید بیان گردد. نکته اول اینکه کنفوسیوس چینی به خیر خواهی و بشر دوستی شهرت یافته در حالیکه کنفوسیوس ژاپن در آمیزش با آئین شینتو بیشتر به ملی گرایی و حس ناسیونالیستی توجه داشته است. به طوری که پرورش گرایش ناسیونالیستی و وطن پرستی، شرایط مقدماتی را برای استقرار نظم ملی، هماهنگی و اتحاد تحت رهبری اسمی ویا عملی حاکمیت امپراتور فراهم نمود.

نکته دوم اینکه، بر طبق آئین کنفوسیوس مرحله غایی هر جامعه ای سکون است. در نتیجه هر تحول و تغییری غیر ضروری خواهد بود. این دیدگاه بیشتر در جامعه چین انعکاس یافته و ژاپنی ها آنرا نادیده انگاشته اند. کنفوسیوس ژاپن تحرک و کوشش و پویایی را مورد تمجید و ستایش قرار می دهد و با اعتکاف و گوشه نشینی درهمه اشکال مخالفست می ورزد.

در مورد مبدا و منبع برخی رفتارهای اخلاقی که به آیین کنفوسیوس نسبت داده می شود اختلاف نظر وجود دارد. به عنوان مثال بعضی معتقدند که خصوصیت خیر خواهی و عشق به دیگران از رسوم باستانی ژاپنی ها ریشه گرفته و توسط آئین شینتو ارائه شده است. این مفهوم بطور کامل با عشق و علاقه به طبیعت که به وضوح یک خصوصیت ژاپنی است، مرتبط می باشد بحثهای مشابهی در مورد ریشه و مبنای "سازگاری" و توافق" وجود دارد. گفته می شود

که مفهوم سازگاری و توافق از جمله ویژگی های موروثی و باستانی شناخته شده ژاپنی هاست و از زمان های قدیم به این مفاهیم ارزش و بهای زیادی می داده اند. در اولین ماده از قانون اساسی هفده ماده ای نوشته شده توسط شوتوکو (۱) (۶۲۲ - ۵۷۴) به اهمیت توافق و تفاهم و وجود دوستی در کلیه مباحثات و مرادوات تاکید شده است. اگرچه این اعتقاد وجود دارد که خود این قانون اساسی متأثر از تعالیم کنفوسیوس و آئین بودیسم بوده است.

اختلاف بر سر ریشه واقعی مفاهیم در این بررسی مورد توجه نیست، اما وجود آنها به عنوان ارزشهای محوری جامعه ژاپن و نفوذ و تاثیر آنها بر رفتارهای اجتماعی مردم ژاپن اهمیت بسیار دارد. کاربرد و اثرات مفاهیم خیرخواهی و سازگاری و توافق، بر جامعه ژاپن بسیار زیاد است و تنها به ذکر چند نکته در اینجا اکتفا می کنیم:

اولاً "در جامعه ای که امتیازات طبقاتی و وجود طبقات مختلف به صورت گسترده ای به رسمیت شناخته می شود، حاکمیت چنین ارزشهایی در حد زیادی از کشمکشها و ناآرامی بین طبقات مختلف می کاست و مشاجرات و نزاعهای مابین طبقات بالا و پایین اجتماع و بین طبقات عامه مردم را تقلیل می داد.

ثانیاً، "معیارهای مزبور تصمیم گیری مستبدانه را در همه مذاکرات و در بین همه اجتماعات نهی می نمود و البته تصمیم گیری که بر مبنای مشاوره و بحث بین همه اعضای ذینفع یک جامعه باشد بطور یقین نتیجه صحیح تر و مفیدتری می دهد. مفهوم شناخته شده توافق بدون رای گیری در جامعه گروه گرای ژاپن که به عنوان یکی از ویژگیهای منحصر بفرد ژاپنی ها در مراحل تصمیم گیری می باشد، بر مبنای همین معیار و ارزش اخلاقی قرار دارد.

ثالثاً، "حاکمیت این ارزشها باعث شده که مشاجرات و بحث وجدال ها عموماً از طریق افراد میانجی فرونشاندن شده و به دادگاه و محاکم قضائی کشیده نشود.

آئین کنفوسیوس ضمن پذیرش اصول اولیه شینتو و سازگاری و توافق با ارزش های حاکم بر جامعه ژاپن خود مبتکر روش هائی نوین و پایه گذار اصولی سازنده برای آن جامعه می باشد. این آئین به دلیل تاکید بردرایت و تفکر بیشتر به صورت یک روش فکری و فلسفی شناخته شده است تا یک مذهب و آئین معنوی. تعالیم کنفوسیوس حاکمیت و اصالت عقل را تنها روش آزاد کردن انسان از جمود فکری می داند. در نتیجه رهانیدن فکر از اوهام و

خرافات زمینه برای رشد فکری و اخلاقی فردی و جمعی فراهم می‌آید، تعلیم این آئین به نظام خانواده انسجام خاص می‌بخشد و احترام و پرستش اجداد را در جامعه ژاپن رونق می‌بخشد. این مکتب توانست اثرات فراوانی در چگونگی رفتار اقتصادی - سیاسی ژاپنی‌ها بجای گذارد. یکی از این اثرات، انسجام و یکپارچگی ملی براساس اصل احترام به خانواده و بخصوص احترام و پرستش رهبران سیاسی به عنوان رئیس خانواده کشوری بوده و دیگری اصل مشهور توافق و تفاهم می‌باشد که از اصول و ویژگی‌های منحصر بفرد مدیریت ژاپنی در حال حاضر به حساب می‌آید و همین اصل در امور سیاسی، اجتماعی توانسته است بسیاری از تنشها و ناهنجاریهای اجتماعی را کاهش دهد.

### شکل‌گیری اهداف جمعی (۱) در دوره توکوگاوا و اوایل دوره میجی

تاکنون ریشه‌ها و میانی بعضی از اصول اخلاقی و معنوی تعلیم شینتو، بودا و کنفوسیوس را به اجمال مورد بررسی قرار دادیم و اکنون اهمیت این مفاهیم را زمانی که در شکل بخشیدن به ساختار و یافتن نظام نقش یافتند، به ویژه زمانی که این اصول به صورت اهداف والای اجتماعی (جمعی) ظهور یافتند و توسط جامعه طبقاتی متعصب دوره توکوگاوا در بیش از دو قرن سیاست انزواطلبی آنها مورد عمل واقع شد، مورد بازنگری و توجه قرار می‌دهیم.

پس از قرن‌ها، آشوب و اضطراب و ناآرامیهای سیاسی، دوره توکوگاوا (۱۶۰۳ - ۱۸۶۸) - ۱۶۰۳) بایک نظام ملوک‌الطوایفی آغاز می‌شود. "توکوگاوا ایاسو (۲)" بنیانگذار رژیم، ملت را یکپارچه و متحد نمود و بنام امپراطور "شوگونت" (۳) قدرت و حاکمیت خویش را بر تمام استانها و ولایات اعمال نمود. از خصوصیات ویژه این حاکمیت ساخت طبقاتی انعطاف ناپذیر آن بود.

### ساخت طبقاتی:

دولت توکوگاوا (باکوفو) (۴) حاکمیت خود را از طریق یک نظام ماهرانه " نظارت

(۱) - اهداف جمعی (Integrated goals) به کلیه ارزشها و معیارهائی گفته می‌شود که به نحوی اشتراک و وحدت اقشار مختلف جامعه را سبب می‌شود.

2- Tokugawa Ieyasu

3- Shogunate

4- Bakufu

و توازن (۱) " ابقاء نمود مباحوفو تمام منابع اغتشاش و آشفتگی را یا به وسیله قدرت و یا از طریق پاداش و تطمیع زیر کنترل شدید خود در آورد. امپراطور تحت مراقبت شدید قرار گرفت و کلیه ملاقات‌های او کنترل و نظارت می‌شد سران فئودال (دای میو) (۲) با " احضار متناوب (۳) " تحت نظر قرار گرفتند. بدین ترتیب که هر "دای میو": مجبور بود چند ماهی از سال و یا هر یک سال در میان رادر پایتخت ادو (۴) (توکیو) بگذارند و در طی مدتی که به منطقه تحت حاکمیت خود بازمی‌گشت، خانواده خود را به عنوان گروگان در پایتخت به جای می‌گذاشت. دولت کنترل شدید خود را با تحمیل یک ساخت طبقاتی موروثی بر تمام جامعه تسری داد. در این ساخت طبقاتی مردم ژاپن بر طبق موقعیت اجتماعی و کارآیی و مولد بودن در اجتماع به چهار طبقه تقسیم می‌شدند.

طبقه نظامی حاکم یا "طبقه" سپاهی (۵) "شامل" دای میو" و "سامورائی‌ها" (از بالاترین مقامات تا سربازان دون یا) که تقریباً ۱۰ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دادند و بالاترین طبقه اجتماعی بحساب می‌آمدند. دوم کشاورزان که اکثریت عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دادند و سپس صنعتگران و در نهایت تجار و کسبه قرار داشتند. در این طبقه بندی تجار پایین ترین قشر طبقاتی جامعه محسوب می‌شدند زیرا عقیده داشتند که آنان غیر مولدترین قشر جامعه هستند.

دولت قوانین و مقررات گوناگونی را در داخل هر طبقه و بین طبقات مختلف به منظور کنترل کامل تمام احاد جامعه، اعمال نمود. سامورائی‌ها از دخالت در هر حرفه و فعالیت تجاری منع شدند و لذا مجبور بودند به حقوق و مواجیبی که عموماً "از طریق مالیات بر تولید برنج جمع‌آوری می‌شد متکی باشند، بخشها و حکومت‌های مختلف قانوناً نمی‌توانستند با یکدیگر مبادله تجاری داشته باشند، و مجبور بودند مازاد برنج خود را در تبادل با کالاهاى دیگر در مراکز شهرها به فروش رسانند. در نتیجه، جاده‌های زیادی احداث شد و مراکز تجاری نظیر اوساکا (۶) و ادو با جمعیت تجاری عظیمی شکل گرفتند. کم‌کم بازرگانان که زمانی از نظر اجتماعی بی‌اهمیت بودند، قدرت واقعی خود را از طریق ثروتشان کسب نمودند و خانه‌های تجاری (۷) سازمان یافته‌ای را بنا نهادند که بیشترین سهم را در شکل دادن به نظام سرمایه‌داری جدید در این کشور به عهده داشت.

1- Check and balance

2- Daimyo

3- Alternative attendance

4- Edo

5- The Warrior class

6- Osaka

7- Merchant house



### نظام ارزشی متمرکز:

یک نظام اداری سازمان یافته همراه با نیروهای نظامی مجرب و متخصص، برای نفوذ حاکمیت نظام طبقاتی توکوگاوا یک ضرورت بود، اما تسلط سیاسی کافی بر تمام اقشار جامعه نیازمند عاملی تشکل دهنده و وحدت بخش است که از طرفی بین دولت و سپاهیان و از طرف دیگر بین طبقه حاکمه و توده مردم به وجود آید بنابراین، آنها مجبور بودند معیارهای اخلاقی و معنوی را که زمینه سنتی در جامعه داشت رونق بخشیده و رواج دهند، بخصوص بر اولویت ارزشهای سیاسی اصرار ورزند.

اولویت دادن به ارزشهای سیاسی از لحاظ تاریخی به چگونگی و انگیزه تاسیس دولت در ژاپن برمی گردد. اعتقاد بر این است که پیدایش آئین شینتو به منظور سلطه سیاسی حاکمان اولیه دولت در ژاپن بود و مذاهب وارداتی نیز در طی تاریخ فقط وقتی به طور رسمی مورد حمایت قرار گرفته اند که همگام و در خط حاکمیت سیاسی آن زمان بودند. بر طبق آئین شینتو، چنانچه قبلاً ذکر شد، رئیس دولت یعنی امپراتور به عنوان خدا مورد توجه بود و بر پیوند او با رب النوع خورشید و تداوم و استمرار یک سلسله پادشاهی بلا انقطاع تاکید شده است. همچنین ظهور اولیه و توسعه و گسترش بودیسم توسط اطرافیان قدرتمند پادشاه و خود در بار سلطنتی صورت گرفت. تعالیم بودا، به طور آشکار به سلسله مراتب سیاسی توجه داشته و از آن پشتیبانی و حمایت نموده است. اگرچه رواج سحر و جادو اثرات سوئی را بر عقل گرایی سیاسی (۱) داشته است. به علاوه، تعالیم کنفوسیوس تأثیرات بسیار عمیقی در شکوفایی و تبلور نظام ارزشی متمرکز داشته و کمک فراوان در گسترش و بسط عقل گرایی سیاسی بخصوص در دوره توکوگاوا داشته است. فضیلت کنفوسیوسی "احترام و پرستش والدین و اجداد" که طی قرنهاد در جامعه ژاپن رسوخ نموده بود با چهره‌ای جدید، ارزشهای معنوی و اخلاقی خانواده را استحکام بخشید. این مفهوم در تلفیق و ترکیب با مفهوم وفاداری، تصویری جدید از خانواده بزرگ ژاپن و ملت ژاپن به رهبری امپراتور در اذهان عمومی به وجود آورد. رعایت اولویت ارزشها و معیارهای سیاسی در طول دوره توکوگاوا به عنوان هدف جمعی و والای اجتماعی تفسیر می شد و محور و اساس این ارزشها و وفاداری بود. بنابراین اصالت فرد، مورد توجه نبود بلکه موقعیت اجتماعی او معیار قرار می گرفت. اگر چه عملکرد فردی، یک انگیزه تعیین کننده در دستیابی به موقعیت های بالاتر بود ولی به کوششهای فردی و موفقیت های حاصله در چهارچوب اهداف جمعی نگاه می شد. لذا هر حرکت و

کوشش که تقویت کننده این اهداف مشترک می‌بود، باید تحسین و تائید می‌شد و هرآنچه در مغایرت با آن بود رد می‌شد.

شکل‌گیری شخصیت فردی: در جامعه متمرکزی که اهداف مشترک و جمعی بر هر خواسته و هدف دیگر از دید همه افراد اولویت و برتری دارد و عدم موفقیت فردی نیز یک وظیفه و مسئولیت گروهی به شمار می‌آید، دانستن این که یک فرد چگونه پرورش می‌یابد، آموزش می‌بیند و تربیت می‌شود تا سازگار با جامعه باشد و کفایت و صلاحیت خدمت به اجتماع را بیابد بسیار با اهمیت است.

گفته می‌شود که با بچه‌ها در اوایل طفولیت با روش مسالمت آمیز و البته با حفظ نظم و انضباط رفتار می‌شود و زمانی که بزرگتر می‌شوند کلیه رفتار و اعمال آنها در کنترل و نظارت شدید قرار می‌گیرد. در این سنین هم خانواده و هم جامعه از آنها انتظار دارند که عملکرد مطلوبی داشته باشند. بنابراین اگر به هر دلیلی، فردی قادر به تنظیم و موزون ساختن امور و رفتار خود در چارچوب رسوم و قواعد مورد قبول اجتماع نباشد این تهدید برای او وجود دارد که به متداولترین فشار و تنبیه روانی یعنی طرد شدن و یا منزوی شدن از جامعه گرفتار شود. برای جامعه متعصب و بسته دوره توکوگاوا طرد شدن از خانواده همانند طرد شدن از جامعه، سمبل سخت‌ترین مجازات و تنبیه بوده است. اساس تعلیم و تربیت کودکان بر محور تعهدشان نسبت به حفظ ارزش‌ها و نیازهای عملی دور می‌زد، به کوشش و تخصص و عملکرد فرد فقط در رابطه با سهمی که این کوشش‌ها به عنوان یک وظیفه و یا به عنوان تنویر افکار داشت بها داده می‌شد و نه صرفاً "بخاطر اهداف شخصی فرد".

در یک خانواده دوره توکوگاوا وظیفه اصلی و مرکزی به عهده شوهر گذاشته شده بود و او مورد احترام و تکریم کلیه اعضای خانواده قرار داشت. موقعیت و نقش کودکان در خانواده به اقتضای سن و جنس آنها تعیین می‌شد. معمولاً "پسر ارشد خانواده مورد توجه و رسیدگی بیشتری قرار می‌گرفت و مسئولیت بیشتری را نیز عهده دار بود. پسر ارشد کلیه دارائیهای پدر را به ارث می‌برد و در خانه پدری نیز سکونت می‌گزید و در مقابل، متعهد نگهداری و حمایت از والدین پیر خود بود. پسران کوچکتر می‌بایستی خانه پدری را ترک کنند و خانه و خانواده مستقلی را به عنوان شاخه‌ای از خانواده اصلی تشکیل دهند.

زنان عموماً "موقعیت پائین‌تری را در خانواده و جامعه داشتند. دختران اصولاً بانگش از دواج و ترک خانواده پرورش می‌یافتند. اگرچه بعضی از زنان، هم در طبقات بالای اجتماع و هم در روستاها، تعهدات و وظایف سنگینی را در رابطه با اداره امور خانواده و تهیه ملزومات خانه متحمل می‌شدند. آنها علاوه بر مسئولیت خانه‌داری مجبور بودند در

انجام کارهای سخت و طاقت فرسای کشاورزی شریک و سهیم باشند .  
 بررسی مختصر زندگی یک فرد در یک "خانه تجاری" در دوره توکوگاوا احتمالاً " بسیار از مسائل مربوط به اشتغال تمام عمر و دیگر خصوصیات مرتبط با زندگی شغلی ژاپنی‌ها را روشن می‌کند . اما یک تجزیه و تحلیل کامل از نظام رفتاری این نهادهای تجاری و شرکت‌های توسعه یافته و پیشرفته‌تر بنام "زای باتسو" (۱) که مطمئناً " تفاوت‌های اصولی میان شرکت‌های ژاپنی و غیر ژاپنی را آشکار می‌سازد ، از حوصله این گفتار خارج است .

مشاغل تجاری در طی قسمت اعظم دوره توکوگاوا اغلب بصورت واحدهای کوچکی بودند که توسط اعضای خانواده اداره می‌شدند . ساخت اجتماعی طبقاتی رژیم " باکوفو" مسئول تغییرات سریع در وضعیت و موقعیت طبقات مختلف به نفع تجار و کسبه بود و نیروها و عوامل درونی نظام ، توسعه و بسط تجارت و خانه‌های تجاری را با شاخه های متعدد و در رشته‌های مختلف بایک سیستم مدیریت سازمان داده شده ، سبب شد . خانه های تجاری شرکت‌های بازرگانی و دیگر واحدهای تجاری مانند هراجمتاع دیگر در دوره توکوگاوا خود را متعدد و فادار به ارزشهای پذیرفته شده جامعه می‌دانستند ، و علاوه بر آن مقررات و سنن دیگر مخصوص بخود نیز داشتند که می‌بایستی بطور جدی توسط اعضاء به اجرا گذاشته شود .

افرادی که جدیداً " در خانه‌های تجاری استخدام می‌شدند ، عموماً " از بستگان صاحبان خانه‌های تجاری و یا کودکان واحدهای تابعه آنها بودند که به عنوان نوآموز " (در حدود سن ۱۰ سالگی ) پذیرفته می‌شدند . وظیفه این نوآموزان در مراحل اولیه استخدام به صورت کار ساده در حد یک شاگرد یاد بود . استادکار ، خوراک و پوشاک او را فراهم می‌نمود اما تا حدود ۱۸ تا ۲۰ سالگی که به عنوان یک شاگرد رسمی شناخته می‌شد ، دستمزدی را دریافت نمی‌نمود .

شاگرد مزبور ، علاوه بر خواندن و نوشتن و حسابداری ساده ، امور مربوط به کسب و تجارت را نزد استاد خود می‌آموخت . و با اثبات صداقت و وفاداری ، کم کم مسئولیت های بیشتری را به عهده می‌گرفت و کارهای مهمتری به او ارجاع می‌شد . بعد از حدود ۲۰ سال کار مداوم و اثبات لیاقت و شایستگی ، فرد استخدام شده می‌توانست از استادکار خود ، درخواست افتتاح شعبه جدیدی را بنماید . که عموماً " سرمایه ، محل کار و نام شعبه توسط خانه اصلی فراهم و تعیین می‌شد و همکاری و تشریک مساعی کامل بین شعبات و خانه اصلی برای چندین

نسل دوام می‌یافت .

رابطه بین شاگرد و رئیس خانه تجاری (استاد) یک رابطه ساده و معمول بیین کارگر و کارفرما نبود، بلکه افراد مزبور به عنوان اعضای خانواده بازرگان به حساب می‌آمدند و در بسیاری از موارد با دختران آن خانواده ازدواج می‌کردند. آنها در بسیاری از امور مهم مورد مشورت قرار می‌گرفتند و مدیریت امور خانواده به آنها سپرده می‌شد. در حقیقت افرادی که به عضویت خانه تجاری در می‌آمدند، تحت تاثیر شدید استاد کار خود قرار می‌گرفتند. آنها تحت آموزش‌ها و دستورات استاد کار و خانواده تجاری پرورش می‌یافتند، تحصیل می‌کردند و تربیت و انضباط می‌آموختند. در صورتی که فرد استخدام شده مرتکب رفتار جدا ناپسندی می‌شد نه تنها از خانه تجاری اخراج می‌شد بلکه در لیست سیاه قرار گرفته و از طریق یک "اتحادیه صنفی سازمان داده شده" خانه های تجاری دیگر را مطلع می‌نمودند و فرد مذکور برای همیشه از ورود مجدد به آن حرفه منع می‌شد.

با در نظر گرفتن نظام منسجم خانه‌های تجاری و اولویت دادن به مجموعه ارزشهای شناخته شده نظام، برای فردی که درگیر مسائل تجاری می‌شد، تنها انتخابی که وجود داشت این بود که زندگیش را بطور کامل وقف شغلش بنماید و عملکرد متمایز و چشمگیری را با کار و کوشش جدی خود ارائه نماید تا بتواند در سیستم باقی مانده و ارتقاء یابد.

رفتار اقتصادی و حفظ وجدان کار؛ ژاپنی‌ها در همه جا به عنوان مردمی سخت کوش و پرجار شناخته شده‌اند. آنها نسبت به کار و شغلی که دارند جدی هستند و در کسب علوم و نظریات جدید و فراگیری شیوه‌ها و تکنیکهای نو بسیار کنجکاو و پیر حیرت هستند. آنها الگوی مصرف خویش را محدود و منطبق با شیوه مصرفی باستانی خویش (حداقل تا قبل از جنگ جهانی دوم) نگاه داشته و هنوز بالاترین نسبت پس انداز به درآمد را در بین تمام کشورهای صنعتی دارند. مقتصد بودن و سخت کوشی از جمله موارد برجسته طرز تفکر ژاپنی‌هاست، تعالیم اخلاقی و معنوی مذاهب و مکاتب فکری گوناگون نیز فقط در صورتی که به‌عینیت و واقعیت روابط انسانی تاکید داشتند، مورد قبول عامه واقع می‌شدند. اگرچه بعضی از عقاید خرافی در شکل‌گیری قسمتی از عقاید باستانی آنها تاثیر داشته و هنوز در بعضی از معابد بودایی می‌توان آنها را مشاهده نمود.

در بین فرقه‌های مختلف بودایی "بودیسم ماهایانا" که پیروان خود را تشویق به یافتن حقیقت مطلق از گذرگاه زندگی دنیوی می‌کند، بطور گسترده ای مورد توجه و قبول عامه قرار گرفته است. در مقابل، همان طوری که قبلاً اشاره شد، نظریه سکوت و سکون

کفوسیوس چین به شدت رد شده و به جای آن تحرک و فعالیت مورد ستایش و تمجید واقع شده است. در رابطه با یک فرقه مشخص آئین کفوسیوس " اگیوسورائی (۱)" (یکی از رهبران فکری کفوسیوس دوره توکوگاوا) می‌گوید که قماربازی براعتکاف جهت مکاشفه و سیر و سلوک قلبی ارجحیت دارد، بنابراین عجیب نیست که بودیسم موفقیت خود را از طریق تاکید بر وجدان کار، احترام و تکریم هر نوع حرفه و شغل و خدمت سازنده برای مردم بدست می‌آورد. وحتى ترویج تعلیمات و دیدگاه‌های عقیدتی خود را از طریق فعالیت‌های مختلف عام المنفعه بانجام می‌رساند. وجدان کار تا حدی، در بین همگان مورد توجه است که بعضی از نویسندگان در آن به عنوان "اعتیاد به کار (۲)" یاد کرده‌اند. و این خصوصیت اعتیاد به کار و پیاطرز تلقی رجحان کار به بیکاری یکی از ویژگی‌های عمومی و پذیرفته شده در جامعه است.

در میان مذاهب مختلف در ژاپن، آئین کفوسیوس دید طولایی در تشویق به مقتصد بودن دارد. بر طبق این آئین یک انسان باید تمایلات و تقاضاهای خود را برای کالاها محدود سازد (مصرف کمتر) و در عوض تمام کوشش و هم خود را در راه تولید بیشتر بکار بینداند، (تولید بیشتر). این عمل موجب می‌شود تا قلب انسان تزکیه، نظامی متعادل برقرار و دستیابی به اهداف اساسی نظام، ممکن شود. اهمیت این تعالیم بیشتر به خاطر پیوندی است که بین رفتارهای اقتصادی و ارزشهای نظام متمرکز است. تاکید بر سخت کوشی به عنوان نشانه‌ای از ایثار و فداکاری و از خود گذشتگی در راه پروردگار، در نظر گرفتن حرفه و شغل به عنوان دین فرد نسبت به اجتماع و توجه و دقت در مصارف شخصی، بخصوص قطع مصارف غیر ضروری و لوکس به عنوان یک وظیفه مذهبی، از جمله نکات مهم این تعالیم در امور اقتصادی است.

دیدگاه‌های آئین کفوسیوس در رابطه با پیکره و نهاد اجتماعی، سازگاری و همزیستی را بین تمام حرف و مشاغل تقویت نمود و زمینه فلسفی برای برقراری و ابقای این هماهنگی در بین تمام اقشار جامعه تهیه و تدارک دید. حالت توازن و هماهنگی می‌بایستی در بین کلیه بخشهای اقتصادی و بین این بخشها و دیگر اعضای اجتماعی وجود داشته باشد. بنابراین باید به کار کشاورزان و صنعتگران و بازرگانان بایک دید نگریده شود، زیرا کار، خود هدف نیست بلکه وظیفه هر فرد نسبت به اجتماعش برای دستیابی و تحقق اهداف اجتماعی و ابقاء تعادل در جامعه است.

1- Ogyu sorai

2- Workholism

در میان طبقات مختلف جامعه توکوگاوا طبقه سپاهیان (سامورایی‌ها) تحت آموزش مستقیم ایدئولوژی کفوسیوسی بودند و به طور قابل توجهی متأثر از این تعلیمات شدند. این گروه از آن جاییکه بالاترین رتبه و مسئولیت اجتماعی را داشتند، تحت مراقبت شدید بودهومی‌بایستی که پاسدار و حافظ ارزشهای نظام حاکم باشند. رفتار اقتصادی این طبقه دو نتیجه تعیین کننده برای تمامی جامعه در برداشت.

اولاً، "درآمد آنها بر مالیات اخذ شده از کشاورزان استوار بود و از نظر فعالیت‌های شغلی نیز در محدودیت قرار داشتند (حداقل برای قسمت اعظم دوره توکوگاوا) بنابراین آنها فقط مصرف کننده بودند و رفتار مصرفی آنها که در چارچوب درآمد مشخصی بود بر تمام جامعه اثر می گذاشت.

ثانیاً، این عقیده وجود دارد که تعداد زیادی از سامورایی‌ها در طی دوره میجی پیش‌گام در فعالیت‌های تجاری و صنایع بودند و انتقال اخلاق اقتصادی موروثی ایشان به زندگی تجاری انگیزه اساسی و یک ضرورت بزرگ برای توسعه کشور بود.

دستورات و آموزش‌های مذهبی بر اخلاق اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی مستمر و پیگیر دولت را تقویت نمود و آگاهی‌های معنوی، منجر به حفظ وجدان کارواگویی مصرفی خاصی شد که (حداقل تا قبل از جنگ جهانی دوم) در مقابل هجوم کالاهای متنوع غربی تغییری نیافت، در حالی که متأسفانه این موج جدید به اصطلاح غرب‌گرایی به ویرانی و نابودی عادات مصرفی سنتی و شالوده اساس اقتصاد تمامی کشورهای جهان سوم منتهی شد.

دولت توکوگاوا، علیرغم ساخت طبقاتی شدید آن علاقه فراوانی به بهسازی رفاه اجتماعی و توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی داشت. آنها به خوبی درک کرده بودند که رفاه اقتصادی عامه مردم متضمن ثبات سیاسی درازمدت خواهد بود، به علاوه حاکمیت ارزشهای معنوی و وجود سازگاری در رفتارهای اجتماعی همراه با ثبات سیاسی، استفاده کاراتراز کلیه منابع جامعه را در دستیابی به اهداف والای جمعی ممکن می‌سازد. بنابراین دولت نیروهای فراوانی را صرف یکپارچگی رفتار اجتماعی، سنتی و زبان در کلیه مناطق کشور نمود. به علاوه، دولت سیاستهای توسعه اقتصادی چندی را از طریق فعالیت‌های مالیاتی، و کمک‌های مستقیم و غیر مستقیم دیگر به اجرا گذاشت، کشاورزان را تشویق نمود تا زمینهای زیادی را به زیر کشت برند و بهره‌وری زمینهای زیر کشت قبلی را افزایش دهند. کوششهای بسیاری در رابطه با آبیاری و زهکشی به عمل آمد، گیاهان جدیدی را معرفی نمودند و آگاهی‌های صحیحی در رابطه با توسعه و بهبود کمی و کیفی محصولات قبلی به کشاورزان داده شد. دولت همچنین راه‌ساز "مسئولیت تاسیس و توسعه بسیاری از صنایع

را برعهده گرفت، جاده‌های زیادی را احداث کرده و شبکه‌های ارتباطی بین روستاها و مراکز شهری را تسهیل نمود. و سرانجام مساعی و کوشش‌های دولت توکوگاوا جهت تمرکز و کنترل بیشتر اقتصادی و تاسیس یک سیستم تک‌قیمتی به استاندارد شدن بسیاری از کالاها انجامید که قدمی بسیار مثبت در راه بهبود و تعالی نظام تجاری سنتی محسوب می‌شود.

**انزو اطلبی:** انزوای خودخواسته بیش از ۲۲۰ سال که اکثر دوره توکوگاوا را شامل می‌شد، یک واقعه مهم تاریخ ژاپن بود که با تداوم آموزش‌های سیاسی موفق، تسلط تعالیم کفوسیوس، حفظ و تقویت نظام ارزشی متمرکز و در عین حال سیاست نسبتاً "ناموفق اقتصادی، مشخص و متمایز می‌شود. نشان و مشخصه اصلی دوره قبل از توکوگاوا، عدم اتحاد و جنگ و نزاع ویرانگر بود، درحالی‌که توکوگاوا وحدت و یکپارچگی و ثبات سیاسی به کشور بخشید. سیاست انزو اطلبی دوره توکوگاوا نسبت به کشورهای غربی که دایره شوم و بسته سنتی خرافی را شکسته بودند و قدم‌های اولیه در راه توسعه و پیشرفت سریع داخلی و خارجی برداشته بودند، یک شکست و عقب ماندگی به حساب می‌آمد ولی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه که قربانی تجاوز گریها و استعمار مستقیم و غیرمستقیم غرب قرار گرفته بودند این سیاست یک موفقیت محسوب می‌شود و درحقیقت ملت ژاپن در پرتو این سیاست فرصتی یافت تا اتحاد و انسجام یابد و ارزش‌های اخلاقی سنتی و فرهنگی خویش را ابقاء نماید.

با توجه به اهمیت ارزش‌های سیاسی برای دولت شوگونال، گسترش مسیحیت یک خطر و تهدید نسبت به اساس موجودیت دولت در بسیاری از موارد به حساب می‌آمد. "اولاً"، رهبران کشوریم داشتند که اعتقاد نسبت به خداوند در دین مسیحیت عاملی تحت آفرین در عقیده مردم خواهد بود زیرا آئین مسیح با تقدس سرزمین والوهیت امپراطور ناسازگار و مانع‌الجمع بود. ثانیاً"، گرایش بسیاری از حاکمان محلی (دایموها) به مسیحیت و پیوند قوی آنها با دولت‌های غربی از طریق مسیونرهای مسیحی مبنای تضعیف قدرت انحصاری شوگون بود. ثالثاً"، نظریه اینکه استعمار بسیاری از کشورها ابتدا توسط نفوذ و دخالت مسیونرهای مسیحی آغاز می‌شد، ترس روزافزونی از تسلط نیامی و اقتصادی خارجیان وجود داشت. عوامل مذکور به عنوان علل اصلی قتل عام مسیحیان در اوایل قرن هفدهم بشمار می‌آید. اگرچه، اعدام و قتل عام مردم با هیچ دلیلی نمی‌تواند توجیه پذیر باشد (۱).

۱- تعقیب و آزار مسیحیان در سال ۱۶۱۳ شروع شد و در سال ۱۶۱۷ مسیحیان

بومی اروپایی محکوم به اعدام می‌شدند و بالاخره این سیاست تمام مسیحیان ژاپنی را که می‌خواستند نسبت به عقیده خود وفادار بمانند، شامل شد  
(Meyer, W. m. pp. 89-92)

بایی بردن به خطر تسلط خارجیان، دولت توکوگاوا، ابتدا اسپانیولی ها را در سال ۱۶۲۴، پرتغالی ها را در سال ۱۶۳۸ و سرانجام در اواخر سال ۱۹۴۰ تمام اتباع خارجی را از کشور اخراج کرد و مسافرت بین کشور ژاپن و کشورهای دیگر را ممنوع ساخت. به استثنای مبادلات محدودی که با هلندیها و چینی ها در جزیره شیما<sup>(۱)</sup> (جزیره کوچکی در بندر ناگازاکی) تحت کنترل بسیار شدید برقرار بوده به علاوه چینی ها روابط و مراودات بسیار محدودی را به صورت انفرادی با حاکمان محلی و بعضی از مناطق داشتند.

گفته می شود که انزوای ژاپن یک خلاء تکنولوژیکی را بین این کشور و کشورهای غربی باعث شد. وجود این فاصله عریض تکنولوژیکی بین ژاپن و غرب در پایان دوره توکوگاوانمی تواند تکذیب شود، اما یک سیاست درهای باز نیز نمی توانست تضمینی کامل برای پیشرفت تکنولوژی و توسعه اقتصادی ژاپن باشد. برعکس، با اتخاذ سیاستهای درهای باز، احتمال زیادی وجود داشت که میراث فرهنگی و استقلال ملی مورد مخاطره قرار گیرد، همان طوری که بسیاری از کشورهای جهان سوم دچار چنین سرنوشتی شده اند. از بعد اقتصادی سیاست انزوا، یک سیاست حمایتی غیر مستقیم از صنایع دستی ژاپن محسوب می شد. سیاست تجارت آزاد برای کشورهای در حال توسعه ویرانی کامل ساخت صنایع سنتی بین کشورها را در برداشته است و بازار مناسب و گسترده ای را برای کالاهای ساخته شده غرب فراهم می آورد و در نهایت این کشورها ممکن است با ماشینها و ابزار تولید وارداتی از غرب به تولید کالا بپردازند که نه دانش و نه توانایی ساخت و تولید محلی این چنین ماشینهایی را دارند. سیاست درهای بسته (انزوا) ژاپن را مجبور ساخت به تولید کالاهایی بپردازد که قبل از انزوا مجبور بود آنها را وارد کند، به علاوه قابلیت توازن خود را در بسیاری از جهات که پیش نیازی برای توسعه بود افزایش دهد، به ویژه در طی این دوره منابع عظیم نیروی انسانی فراهم شد.

دوره انزوا فرصت بی نظیری را برای کسب دانش و علوم چینی، بخصوص برای گسترش آئین کنفوسیوس در سراسر کشور به وجود آورد. کنفوسیوس ژاپنی چنانچه قبلاً ذکر شد، به طور اصولی به فلسفه و اخلاقیات توجه بیشتری داشت تا پرداختن به آداب و اعمال مذهبی و این آئین مطابق با میل و سلیقه ژاپنی ها توسعه یافت. تسلط تعالیم کنفوسیوس بر تمام دوره سیاست انزوا عامل ایجاد و بسط بسیاری از رفتارهای معنوی و خلاقیتی منحصر به فردی به شمار می رود که هنوز توسط بسیاری از ژاپنی ها مورد عمل قرار



می‌گیرد، یا چنانچه موری شیما<sup>(۱)</sup>، می‌گوید " در طول دوران مزبور، ژاپن‌ها شستشوی مغزی شدند و تعالیم کنفوسیوس آنهارا در شکل وقالب ویژه‌ای از انسانها درآورد ".

حاکمان دوره توکوگاوا با نام امپراطور ودر لوای وحدت سرزمین ورهبری، حاکمیت خویش را بر تمامی ژاپن گسترش داده یک نظام طبقاتی منسجم را براساس مبانی و اصول مذاهب موجود شکل می‌دادند. در این دوره و بخصوص در طی انزوا با یک سیستم متمرکز و با تبلیغات وسیع اهداف جمعی را به عنوان والاترین ارزشهای مورد قبول ترویج می‌دادند و پس از ایجاد ثبات سیاسی، اقدامات برای رشد تولید و سازماندهی کلی واحدهای اقتصادی آغاز می‌شود. بسیاری از ویژگی‌های منحصر به فرد ژاپنی‌ها چه در رفتار فردی و چه در رفتار گروهی و واحدهای اقتصادی در همان زمان و با توجه به اصول اعتقادی مردم به ویژه آئین کنفوسیوس شکل گرفته و تکامل می‌یابد. در رفتار فردی، هر نوع کار و فعالیت سازنده تولیدی و خدماتی تشویق شده و وجدان کار به عنوان یک وظیفه ملی و معنوی ارزش غالب را در جامعه می‌یابد. در مصرف، صرفه جوئی و عدم گرایش به کالاهای لوکس و غیر ضروری الگوی مصرفی عام قرار می‌گیرد. در مدیریت و سازماندهی واحدهای تولیدی، ویژگی‌هایی که امروزه در مدیریت ژاپن‌ها مورد توجه است، با استفاده از تعالیم کنفوسیوس و تکیه بر اصول شینتو شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، اشتغال مادام‌العمر، پیاده کردن سیستم خانواده در امور شرکتها، کنترل پلیسی از بالا به پایین در تمامی واحدهای اقتصادی که ریشه در فرهنگ قدیمی ژاپنی‌ها دارد، در دوره انزوا جنبه عملی بخود گرفته و در سطح کشور اشاعه می‌یابد. همچنین در راستای اهداف جمعی، همکاری‌های وسیعی با برنامه ریزی و هدایت مرکزی برای ایجاد راهها، گسترش زمین‌های کشاورزی، افزایش بازدهی تولید و ایجاد نمایشگاه‌های جهت دستیابی به فنون و تکنیک‌های داخلی و خارجی و اشاعه آنها در تمامی مناطق کشور صورت می‌گیرد.

### نتیجه گیری:

در بررسی توسعه اقتصادی کشورها، علاوه بر جنبه های اقتصادی، ابعاد و یا وجوه غیر اقتصادی نیز مورد توجه خاص بوده و بعضی از اندیشمندان<sup>(۲)</sup> این عوامل را کلید اصلی توسعه دانستند و به تعبیر دیگر، تحولات فرهنگی راپیش نیاز اصلی توسعه اقتصادی

2- Morishima, M. 962.P.60

۲ - برای توضیح مفصل تر رجوع شود به چارلز پ - کیندل برگر "توسعه اقتصادی

بشمار می‌آورند. تحولات فرهنگی ژاپن و تاثیر مکاتب فکری مهم در رفتار اقتصادی - اجتماعی آنها که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت تاکید بر اهمیت و نقش تحولات فرهنگی در توسعه اقتصادی نه تنها به عنوان پیش نیاز توسعه اقتصادی بلکه عاملی تعیین کننده در رقابت صنعتی بین کشورهای توسعه یافته کنونی می‌باشد.

تعالیم شینتو علی، رغم فرازونشیب هایش الوهیت سرزمین و امپراطور را به عنوان اصلی تغییرناپذیر در جامعه ژاپن بنیان می‌گذارد و همین امر عاملی تعیین کننده در ایجاد وحدت ملی و ثبات اقتصادی - سیاسی در طی دورانهای مختلف و در مواجهه با بحرانهای داخلی و خارجی بوده است و حتی کشورگشایی های دوران قبل از جنگ جهانی دوم با توسل به شعارها و اصولی بود که مروج اصلی آن کاهنان شینتو بودند.

بودیسم برعکس تاثیرش در دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی در ژاپن به تثبیت و ترویج اصول اخلاقی عملی، وجدان کار و نظم در امور می‌پردازد و ایده آلیسم خود را در تعالی علمی و اخلاقی فرد و تمام جامعه انسانی می‌یابد و در نهایت آئین کنفوسیوس انسان را محور اصلی تمام تحولات سازنده در جهان محسوب نموده و به کانون خانواده در کوچکترین مقیاس آن و به کشور در معنی وسیع آن، آنچنان بها و ارزش می‌دهد که مفهومی مقدس یافته و رئیس خانواده و رهبر جامعه هر دو مقامی مورد پرستش می‌یابند، آثار این تعالیم هم اکنون در نظام مدیریت، روابط کارگری، شیوه زندگی فردی، الگوی مصرف و بطور کلی تمام ابعاد اقتصادی - اجتماعی مردم ژاپن به وضوح مشهود است. توسعه سریع اقتصادی این کشور و نفوذ فرهنگ غرب هنوز نتوانسته است تاثیری تعیین کننده بر این جامعه داشته باشد.

در این مقاله همچنین شکل‌گیری ارزشهای مذکور را در یک دوره نسبتاً " طولانی " دوره توکوگاوا " و بخصوص در ۲۲۰ سال دوره انزوامورد بررسی قرار دادیم، زمانی که این کشور تاثیر پذیری بسیار کمتری از جهان خارج داشته و تعالیم مکاتب بزرگ فکری جایگاه و زمان مناسبی برای گسترش و ترویج اصول اساسی خود یافتند. در این دوره با استقرار یک نظام ارزشی متمرکز زمینه‌های لازم برای ترویج اصول و ارزشهایی که به عنوان خصوصیات ویژه ژاپن‌ها نامیده می‌شود، به وجود می‌آید و تحولات فرهنگی پیش نیاز توسعه بعدی ژاپن فراهم می‌گردد، به علاوه این دوره فرصتی بود تا ژاپن، هم خود را بهتر بشناسد و هم از نفوذ و گسترش استعمار در امان بماند و به سرنوشت دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی دچار نشود بدین ترتیب ژاپن با تحولات فرهنگی لازم، زمینه توسعه اقتصادی کشور را فراهم نمود و با حفظ و استمرار فرهنگ غنی خود نه تنها کمبود های نسبی کشور را از لحاظ مواد اولیه پوشش داد، بلکه امروزه در ردیف پیشروترین کشورهای صنعتی جهان ظهور یافته است.

- 1) Bellah, R.N. 1969 Tokugawa Religion, New York: The Free Press.
- 2) Craig, A.M. and Shively; D.h. (ed) 1970: Personality in Japanese History, Los Angeles: University of California Press.
- 3) Dore, R.P. 1965. Education in Tokugawa Japan, Berkely, Los Angeles: University of California Press.
- 4) Drucker, Peter F. 1981. "Behind Japan's Success" Harvard Business Review, Vol. 59. Jan-Feb.
- 5) Encyclopedia Americana Corporation 1979. The Encyclopedia Americana: International Edition, U.S.A.
- 6) Gordon, A. 1985. The Evolution of Labor Relation in Japan, Council on East Asian Studies: Harvard University Press.
- 7) Ikeda, Daisaku 1978. Buddhism the First Millennium, Tokyo: Kodansha International Ltd.
- 8) Jansen, M.B. and Rozman, G. (ed), 1986. Japan in Transition from Tokugawa to Meiji, New Jersey: Princeton University Press.
- 9) Lebera T.S. and Lebra, W.P. (ed) 1979. Japanese culture and Behavior; selected Readings, Honolulu: An East-West Center Book.
- 10) Levine, S.B. and Kowada, Hisashi 1980 "Human Resources in Japanese Industrial Development" Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- 11) Meyer, Milton W. 1976 "Japan: A concise History" New Jersey: Littelfield Adams and co.

- 12) Michio, N. and Urrutia M. (ed) 1985. Meiji Ishin: Restoration and Revolution, Tokyo: The United Nation University.
- 13) Moore, Charles A. (ed) 1967 The Japanese Mind: Essentials of Japanese Philosophy and Culture, Tokyo: Charles E. Tuttle Company.
- 14) Murakami, Yasusuke 1982. "Toward a Socioinstitutional Explanation of Japan's Economic Performance" in Yamamura, K. (ed) 1982 pp. 3-46.
- 15) Okochi, A. and Karsh, B. and Levine, S.B. (ed) 1973 Workers and Employers in Japan, Tokyo: University of Tokyo press.
- 16) Shively, D.H. (ed) 1971. Tradition and Modernization in Japanese Culture, New Jersey: Princeton University Press.
- 17) Tiedemann, Arthur 1955. Modern Japan: A Brief History Canada: D. Van Nostrand Company.